

مقایسه اولویت های فلسفه آموزشی دانشجویان تربیت بدنی به تفکیک جنسیت و دانشگاه محل تحصیل

رضا شجاع¹، فاطمه قربانعلی زاده قاضیانی²، دکتر مجتبی امیری³، سیاوش خداپرست⁴، دکتر سید محمد حسین رضوی⁵

دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه تربیت مدرس و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات¹، مدرس گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی²، استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران³، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان⁴، استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه مازندران⁵

ص ص: 95-110

تاریخ دریافت: 89/5/1

تاریخ تصویب: 89/7/3

چکیده

هدف از این تحقیق، تعیین و مقایسه فلسفه آموزشی غالب در دانشجویان دختر و پسر تربیت بدنی بود. 266 دانشجوی دختر و پسر رشته تربیت بدنی از دانشگاه آزاد واحدهای تهران شرق، اراک، آیت الله آملی و بابل با استفاده از پرسشنامه «پیش فرض های اولویت فلسفی» (تهیه شده توسط وایزو و باندی، 2002) مورد ارزیابی قرار گرفتند. پرسشنامه مذکور 40 پرسشی و دارای 5 مؤلفه فلسفی «اصالت ذهن، جاودان گرایی، واقع گرایی، تجربه گرایی، وجود گرایی» است. نتایج نشان داد که پسران آیت الله آملی تقریباً از همه فلسفه ها به یک اندازه و دختران به طور معنی داری از اصالت ذهن به عنوان فلسفه آموزشی غالب استفاده می کنند. پسران و دختران تهران شرق و بابل، اصالت ذهن را به عنوان فلسفه آموزشی غالب انتخاب کردند. پسران اراک

اصالت‌ذهن و دختران، واقع‌گرایی را به عنوان اولویت نخست برگزیدند. به طور کلی می‌توان گفت که اگرچه ایده‌آلیسم، فلسفه برتر بیشتر دختران و پسران بود، اما نتایج پژوهش حاضر نشان از اثرگذاری "عامل جنسیت" در قدرت انتخاب دارد؛ همچنین تفاوت میان دانشگاه‌های مختلف می‌تواند بیانگر نداشتن توافق میان مدرسان این درس باشد.

واژگان کلیدی:

فلسفه آموزشی، اصالت ذهن، واقع‌گرایی

rezashajie@yahoo.com

Archive of SID

مقدمه

همان گونه که دانشجویان در دوران دانشجویی در مراکز تربیت معلم و سایر دانشگاه ها، دروس عملی و نظری فراوانی را در زمینه حرکات متعدد ورزشی و آثار آن بر انسان، می گذرانند، به نظر می رسد که باید مهارت های ذهنیت فلسفی را نیز طی آموزش های مختلف عملی و نظری رشد و توسعه دهند و این کار می تواند در کنار واحدهای درسی مربوط به فلسفه تربیت بدنی و یا اصول و مبانی تربیت بدنی صورت پذیرد. از این مرحله به بعد می توان انتظار داشت که مربی ورزش تبدیل به یک معلم ورزش کارآمد در حیطه تعلیم و تربیت شود (4).

از یک سو اعتقاد بر این است که آموزش، محور اساسی تربیت است (6) و از سوی دیگر، جان دیویی اعتقاد دارد که تعلیم و تربیت باید در عمل صورت گیرد (11). در تربیت بدنی و ورزش نیز بحث اصلاح و رشد فکر، جسم، رفتار و مهارت های حرکتی انسان از طریق آموزش و تمرین عملی است (2). اما به طور قطع، تعیین اهداف و به دنبال آن تعیین روش های اجرایی و ارزشیابی نتایج، بدون داشتن تفکرات و پایه های فلسفی، کاری سطحی و کم دوام خواهد بود. مکاتب فکری و فلسفی مختلف نحوه شکل گیری و وظایفی را که مراکز آموزشی باید بر عهده گیرند به صورت های گوناگون بیان کرده اند. چنانچه جوهر اصلی مکاتب فلسفی را دیدگاه آنها از نظر هستی شناسی¹، ارزش شناسی² و معرفت شناسی³ بدانیم، تأثیر عمیق آنها در هدف گذاری، برنامه ریزی و روش های اجرایی و نظام های ارزشیابی مراکز آموزشی به گونه ای روشن تر پدیدار خواهد شد (9).

تقسیم بندی از مکاتب فلسفی آموزش و پرورش به شکل مختلف وجود دارد. وایز و باندی⁴ (2002) نمونه ای از این تقسیم بندی را ارائه کرده اند که شامل 5 مکتب فلسفی جاودانگرایی (پرنیالیسم)⁵، اصالت ذهن (ایده آلیسم)⁶، واقع گرایی (رئالیسم)⁷، تجربه گرایی (اکسپیریمنتالیسم)⁸ و

1- Ontology

2- Axiology

3- Epistemology

4- Wise & Bandy

5- Perennialism

6- Idealism

7- Realism

8- Experimentalism

وجودگرایی (اگزیستنیالیسم)¹ است. در تربیت بدنی و ورزش نیز همین مکاتب فکری و مؤسسات فرهنگی وابسته به آنها خودنمایی می کنند (2 و 13). با این توصیف، یکی از نتایج پربار آمادگی حرفه‌ای دوران دانشگاهی، توسعه و تکامل فلسفه تربیت بدنی و ورزش است. در قلمرو تربیت بدنی برای هر حرفه اعم از؛ تربیتی، آموزشی، غیرآموزشگاهی و یا مربیگری تربیت بدنی، داشتن اعتقاد به یک سلسله باورهای فلسفی درباره تربیت بدنی و ورزش، امری اساسی است (7)؛ از سوی دیگر، در زمینه ارزیابی فلسفه آموزشی تنها چند پژوهش در داخل کشور صورت گرفته که نمونه‌های آماری آن را مدیران دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت بدنی کشور و اعضای هیأت علمی آن (8) و مدیران دبیرستان‌ها (1) تشکیل می‌دادند. یک مقاله خارجی هم که از پرسشنامه PPA (تحقیق حاضر) استفاده کرده بود، در میان دبیران به بررسی پرداخت (12). لی‌وینگستون 10 و همکاران (1995) متوجه شدند که فلسفه آموزشی برتر در میان دبیران، فلسفه تجربه‌گرایی است (12)، آذفر (1380) نیز همین نتیجه را در مورد مدیران دبیرستان‌های دخترانه مشاهده کرد (1). همچنین نورایی و همکاران (1387) نیز نتیجه مشابهی را در بین مدیران دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت بدنی کشور و اعضای هیأت علمی آن ارائه کرده اند (8). بنابراین با توجه به اندک بودن پژوهش‌های خاص در این زمینه و همچنین نبودن توافق در نمونه‌های آماری، بر آن شدیم که به تعیین فلسفه آموزشی برتر، در میان دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه بپردازیم. به عبارت دیگر؛ می‌خواستیم ببینیم که دانشجویان تربیت بدنی بر اساس دیدگاه عملی خود نسبت به پرسش‌هایی که مطرح شده، چه رتبه‌هایی را در این فلسفه‌ها کسب می‌کنند؟ و همچنین میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف و بین دختران و پسران چه تفاوتی وجود دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

جامعه و نمونه: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانشجویان دختر و پسر رشته

تربیت بدنی دانشگاه آزاد واحدهای تهران شرق، اراک، آیت الله آملی و بابل بود که در سال 87-86، در ترم چهارم و بالاتر شاغل به تحصیل بوده‌اند. از این میان، تعداد 266 نفر {دانشگاه آزاد تهران شرق (78 نفر) 49 پسر و 29 دختر، دانشگاه آزاد اراک (77 نفر) 40 پسر و 37 دختر، دانشگاه آزاد آیت الله آملی (69 نفر) 43 پسر و 26 دختر، دانشگاه آزاد بابل (42 نفر) 20 پسر و 22 دختر} مورد ارزیابی قرار گرفتند. میانگین و انحراف استاندارد سنی ایشان نیز به ترتیب برای دانشگاه آزاد واحدهای تهران شرق، اراک، آیت الله آملی و بابل شامل $0/34 \pm 23/73$ ، $0/25 \pm 21/94$ و $22/12 \pm 20/79$ و $0/27 \pm 20/79$ بود.

ابزار پژوهش: ابزار این پژوهش آزمون «ارزیابی اولویت فلسفی¹» وایز و بندی (2002) است (13) که بین دانشجویان توزیع شد. این آزمون یکی از وسایل پرسشنامه‌ای است که اجرای آن آسان بوده و نمره‌گذاری برای آن به سهولت انجام می‌شود. این آزمون شامل 5 مؤلفه فلسفی (جاودانگرایی، اصالت ذهن، حقیقت گرایی، تجربه گرایی و وجودگرایی) است که با 40 پرسش (هر غالب فلسفی با 8 پرسش) پوشش داده شده و هر پرسش 5 گزینه برای انتخاب پاسخ دارد (5 سطحی لیکرت)؛ به طوری که با انتخاب گزینه اول، امتیاز 1؛ با انتخاب گزینه دوم، امتیاز 2؛ با انتخاب گزینه سوم، امتیاز 3؛ با انتخاب گزینه چهارم، امتیاز 4 و با انتخاب گزینه پنجم، امتیاز 5 به هر پرسش داده می‌شود. در پایان پاسخگویی به پرسش‌ها، محاسبه مجموع نمرات هر 8 پرسش صورت می‌گیرد و رتبه‌بندی هر غالب فلسفی برای هر شخص تعیین می‌شود. همچنین پایایی² پرسشنامه در پژوهش حاضر با محاسبه آلفای کرونباخ تعیین شد که برابر با 89٪ بود. روش جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات: در این بخش، نحوه انتخاب دانشگاه‌ها به صورت نمونه در دسترس بود. پرسشنامه بین نمونه‌ها به صورت تصادفی توزیع شد و پس از آن، پاسخنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه 15، مورد بررسی قرار گرفتند و نمره‌گذاری شدند. در ابتدا، داده‌های 40 پرسش جمع‌آوری و به صورت طبقه‌بندی فراوانی‌ها و

1- Philosophy Preference assessment

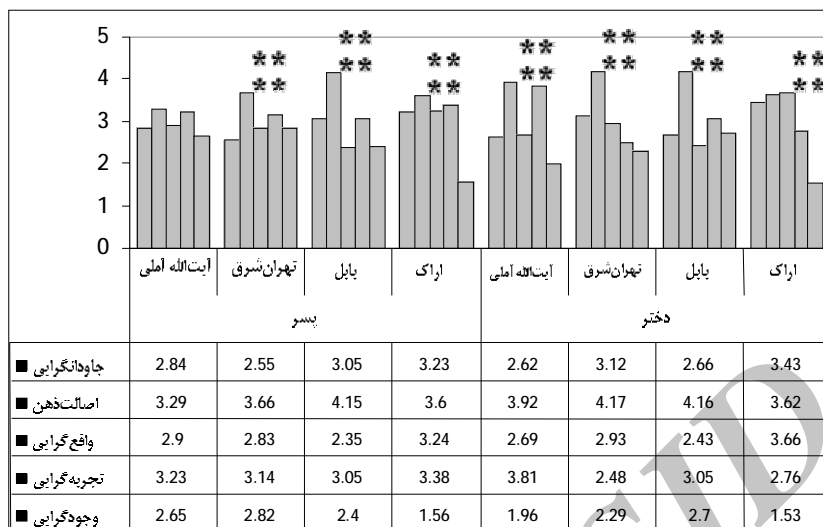
2- Reliability

درصدهای به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور تعیین اولویت رتبه‌های خرده مقیاس‌های فلسفه آموزشی غالب در هر گروه به طور مجزا، از روش آزمون غیرپارامتری در گروه‌های همبسته (فریدمن¹)، جهت مقایسه این خرده مقیاس‌ها بین دو گروه دختر و پسر از روش آماری غیرپارامتری در دو گروه مستقل (یوی مان - ویتنی²) و برای مقایسه بین دانشگاه‌ها از روش آماری غیرپارامتری در k -گروه مستقل (چ کروسکال - والیس³) با سطح خطای ($p \leq 0/05$) استفاده شد.

نتایج

الف) دانشگاه آزاد آیت‌الله آملی: پسران با توجه به میانگین رتبه، به ترتیب تجربه‌گرایی، اصالت ذهن، واقعیت‌گرایی، جاودانگرایی و وجودگرایی از بیشترین به کمترین رتبه را به خود اختصاص دادند؛ اما، این رتبه‌بندی از لحاظ آماری معنی‌دار نبود (نمودار 1).

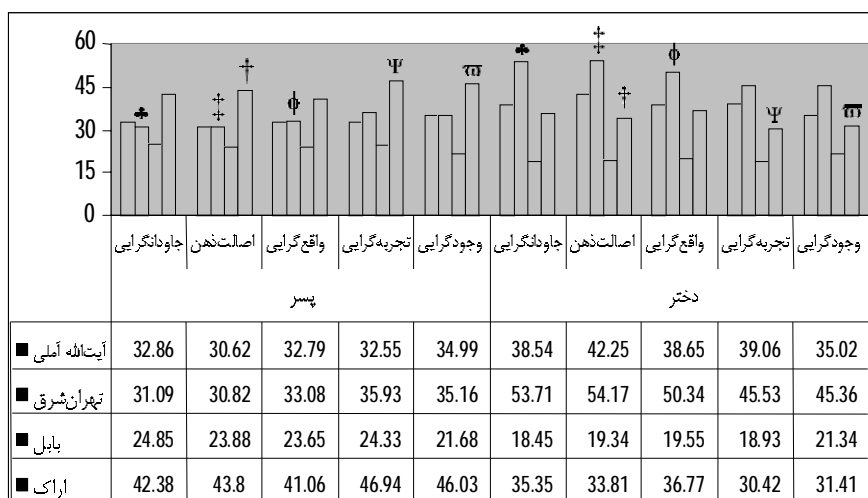
1- Friedmar
2- Umann Whitney
3- Kruskal-Wallis H



** - معنی داری در سطح $\alpha \leq 0/01$

نمودار 1- رتبه بندی فلسفه های آموزشی (تعیین فلسفه آموزشی غالب) دانشجویان با توجه به دانشگاه و جنسیت ایشان

در دختران به ترتیب اصالت ذهن، تجربه گرایی، جاودانگرایی، واقع گرایی و وجودگرایی بیشترین به کمترین رتبه را به خود اختصاص دادند؛ به طوری که این رتبه بندی از لحاظ آماری معنی دار بود (نمودار 1). مقایسه بین گروهی نشان داد که دختران در همه 5 مؤلفه فلسفی آموزشی دارای میانگین رتبه بالاتری نسبت به پسران بودند؛ اما، این برتری تنها در یک مؤلفه اصالت ذهن معنادار بود (نمودار 2).



نمودار 2- مقایسه فلسفه‌های آموزشی بین دانشجویان دختر و پسر هر دانشگاه. * - تفاوت معنی‌دار میان دختر و پسر در فلسفه آموزشی جاودانگرایی در دانشگاه آزاد واحد تهران شرق. † - تفاوت معنی‌دار میان دختر و پسر در فلسفه آموزشی اصالت‌ذهن در دانشگاه آزاد واحد آیت‌الله املی. ‡ - تفاوت معنی‌دار میان دختر و پسر در فلسفه آموزشی اصالت ذهن در دانشگاه آزاد واحد تهران شرق. † - تفاوت معنی‌دار میان دختر و پسر در فلسفه آموزشی اصالت‌ذهن در دانشگاه آزاد واحد اراک. † - تفاوت معنی‌دار میان دختر و پسر در فلسفه آموزشی واقع‌گرایی در دانشگاه آزاد واحد تهران شرق. ‡ - تفاوت معنی‌دار میان دختر و پسر در فلسفه آموزشی تجربه‌گرایی در دانشگاه آزاد واحد اراک. ‡ - تفاوت معنی‌دار میان دختر و پسر در فلسفه آموزشی وجودگرایی در دانشگاه آزاد واحد اراک. تذکر: برتری تفاوت را می‌توان از اختلاف ارتفاع بین دو نماد مشابه، درک کرد.

ب) دانشگاه آزاد تهران شرق: پسران را به ترتیب فلسفه‌های آموزشی اصالت‌ذهن، تجربه‌گرایی، حقیقت‌گرایی، وجودگرایی و جاودانگرایی از بالاترین به پایین‌ترین رتبه مورد انتخاب قرار دادند که از لحاظ آماری معنی‌دار بود (نمودار 1). دختران نیز به ترتیب از بالاترین به پایین‌ترین، فلسفه‌های اصالت‌ذهن، جاودانگرایی، حقیقت‌گرایی، تجربه‌گرایی و وجودگرایی را به طور معنی‌داری رتبه‌بندی کردند (نمودار 1). مقایسه بین گروهی، نشان داد که دختران در همه 5 مؤلفه فلسفی آموزشی دارای میانگین رتبه بالاتری نسبت به پسران بودند؛ اما، این برتری

- تنها در 3 مؤلفه جاودانگرایی، اصالت‌ذهن و واقع‌گرایی معنادار بود (نمودار 2).
- ج) دانشگاه آزاد بابل: پسران با توجه به میانگین رتبه، به طور معنی‌داری به ترتیب؛ اصالت‌ذهن، جاودانگرایی، تجربه‌گرایی، وجودگرایی و واقع‌گرایی را از بیشترین به کمترین رتبه انتخاب کردند (نمودار 1). دختران به طور معنی‌داری به ترتیب؛ فلسفه‌های آموزشی اصالت‌ذهن، تجربه‌گرایی، وجودگرایی، جاودانگرایی و واقع‌گرایی را از بیشترین به کمترین رتبه برگزیدند (نمودار 1). مقایسه بین‌گروهی، نشان داد که پسران در همه 5 مؤلفه فلسفی آموزشی دارای میانگین رتبه بالاتری نسبت به دختران بودند؛ اما، این برتری در هیچ یک از مؤلفه‌ها معنادار نبود (نمودار 2).
- د) دانشگاه آزاد اراک: پسران به ترتیب فلسفه‌های اصالت‌ذهن، تجربه‌گرایی، واقع‌گرایی، جاودانگرایی و وجودگرایی را به طور معنی‌داری رتبه‌بندی کردند (نمودار 1). دختران به طور معنی‌داری به ترتیب فلسفه‌های آموزشی واقع‌گرایی، اصالت‌ذهن، جاودانگرایی، تجربه‌گرایی و وجودگرایی را مورد انتخاب قرار دادند (نمودار 1). مقایسه بین‌گروهی، نشان داد که میانگین رتبه پسران در همه 5 مؤلفه فلسفه آموزشی بالاتر از دختران بود؛ اما این برتری تنها در 3 مؤلفه اصالت‌ذهن، تجربه‌گرایی و وجودگرایی معنا داشت (نمودار 2).
- ه) پسران: در هر کدام از 5 فلسفه آموزشی جاودانگرایی، اصالت‌ذهن، واقع‌گرایی، تجربه‌گرایی و وجودگرایی، تفاوت معنی‌داری میان دانشگاه‌های آزاد آیت‌الله املی، تهران شرق، بابل و اراک وجود داشت (جدول 3).

جدول 3- مقایسه فلسفه‌های آموزشی پسران در بین دانشگاه‌ها

فلسفه آموزشی	دانشگاه	میانگین رتبه	مربع کای	درجه آزادی	معنی‌داری
جاودانگرایی	آیت‌الله آملی تهران شرق بابل اراک	64/92 62/09 109/05 90/33	23/261	3	** 0/001
اصالت‌ذهن	آیت‌الله آملی تهران شرق بابل اراک	59/71 67/76 116/13 85/45	26/214	3	** 0/001
واقع‌گرایی	آیت‌الله آملی تهران شرق بابل اراک	65/41 63/96 98/90 92/59	17/365	3	** 0/001
تجربه‌گرایی	آیت‌الله آملی تهران شرق بابل اراک	70/85 60/34 106/60 87/33	19/231	3	** 0/001
وجودگرایی	آیت‌الله آملی تهران شرق بابل اراک	75/02 73/04 113/93 61/64	19/826	3	** 0/001

* - معنی‌داری در سطح $\alpha \leq 0/05$ ** - معنی‌داری در سطح $\alpha \leq 0/01$

و) دخترها: در فلسفه‌های آموزشی جاودانگرایی، اصالت‌ذهن و وجودگرایی، تفاوت معنی‌داری میان دانشگاه‌های آزاد آیت‌الله آملی، تهران شرق، بابل و اراک مشهود بود؛ اما در دیگر مؤلفه‌ها هیچ اختلاف معنی‌داری میان دانشگاه‌ها وجود نداشت (جدول 4).

جدول 4- مقایسه فلسفه های آموزشی دختران در بین دانشگاهها

معنی داری	درجه آزادی	مربع کای	میانگین رتبه	دانشگاه	فلسفه آموزشی
0/018*	3	10/077	53/48 73/50 56/20 48/55	آیت الله آملی تهران شرق بابل اراک	جاودانگرایی
0/001**	3	22/403	57/40 74/47 67/59 38/27	آیت الله آملی تهران شرق بابل اراک	اصالت ذهن
0/399	3	2/953	51/50 66/03 56/00 55/92	آیت الله آملی تهران شرق بابل اراک	واقع گرایی
0/075	3	6/901	64/56 60/50 64/48 46/04	آیت الله آملی تهران شرق بابل اراک	تجربه گرایی
0/001**	3	25/755	56/88 69/95 76/39 36/95	آیت الله آملی تهران شرق بابل اراک	وجودگرایی

* - معنی داری در سطح $\alpha \geq 0/05$ ** - معنی داری در سطح $\alpha \geq 0/01$

بحث

با هدف ارزیابی فلسفه آموزشی برتر در دانشجویان تربیت بدنی، به جمع آوری اطلاعات از دانشجویان دانشگاه آزاد واحدهای تهران شرق، آیت الله آملی، بابل و اراک به کمک پرسشنامه پیش فرض های فلسفی (وایز و بندی 2002) اقدام کردیم. پس از تجزیه و تحلیل داده ها مشاهده شد که دانشجویان پسر دانشگاه آیت الله آملی، هیچ مکتبی را به عنوان فلسفه آموزشی غالب

خود مد نظر قرار ندادند؛ به طوری که نمایش فلات در نمودار به ناتوانی در تعیین اولویت قابل تعبیر است (13). به عبارت دیگر، همه 5 مکتب فلسفی را در یک سطح پذیرفتند و کاربردی بودن آن را قبول کردند. دانشجویان دختر دانشگاه آیت‌الله آملی (میانگین رتبه 3/92)، پسر و دختر آزاد تهران شرق (به ترتیب با میانگین رتبه 3/66 و 4/17)، پسر و دختر آزاد بابل (به ترتیب با میانگین رتبه 4/15 و 4/16) و پسر آزاد اراک (میانگین رتبه 3/60) به طور معنی‌داری فلسفه اصالت‌ذهن (ایده‌الیسم) را به عنوان فلسفه آموزشی برتر خود مد نظر قرار دادند. ایده‌الیسم‌ها عقیده بر این دارند که واقعیت وجود شیء بستگی به ذهن فرد داشته و جنبه معنوی دارد. عالم هستی و حقایق را تنها می‌توان از طریق فرایند متفکرانه شناخت (3). از نظر ایده‌الیسم‌ها مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، زیرا محلی است که روح مطلق در آن تجلی می‌یابد (3)؛ به عبارت دیگر، هدف نهایی تعلیم و تربیت تحقق روحی انسان است و به انسان بیش از هر چیز دیگری در تعلیم و تربیت، اهمیت داده می‌شود (3 و 5 و 7 و 10). در این مکتب مواد درسی که از طرف معلمان تنظیم می‌شود، کمال اهمیت را دارد (3 و 5 و 8 و 13)، معلمان در تعیین مواد آموزشی و برنامه درسی باید به اجزای تشکیل‌دهنده روح توجه داشته باشند. آن جنبه‌هایی که برای روح قابل تأملند عبارتند از: 1- فکری - عقلی، 2- احساسی و 3- ارادی (3 و 7). با توجه به محتوای چنین برنامه‌هایی از سوی ایده‌الیسم‌ها، مشخص می‌شود که آنها بیشتر به جنبه کیفی اهمیت می‌دهند تا جنبه کمی (10)، و معلم؛ بویژه از لحاظ شخصیت و ارزش‌ها، الگوی دانش‌آموز است (10 و 3). اگرچه نمونه‌های ارزیابی‌شده در این پژوهش با پژوهش‌های دیگر متفاوتند، اما، یافته‌های پژوهش حاضر با مشاهدات لی‌وینگستون و همکاران (1995)، آذرفر (1380) و نورایی و همکاران (1387) در تضاد است (1 و 8 و 12).

دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اراک فلسفه واقع‌گرایی یا رئالیسم را به عنوان فلسفه آموزشی غالب خود مد نظر قرار دادند. پیروان این مکتب معتقدند که دنیای مادی دنیای واقعی است (2 و 10 و 13)، و از راه علمی بهتر می‌توان به حقیقت دست یافت؛ تجارب و احساسات، مردم را در

شناخت طبیعت کمک می کند، ذهن و جسم ارتباط هماهنگ و تنگاتنگی دارند (10) و مدارس باید همین دنیا را به فراگیران درس دهند (2 و 13). رئالیسم برنامه آموزشی را که از موضوعات مجزا تشکیل شده باشد، مورد انتقاد قرار می دهد و عقیده دارد چنین برنامه ای نمی تواند شاگردان را برای یادگیری تحریک کند و قدرت تفکر را به کار نمی اندازد (3). از نظر پیروان مکتب رئالیسم، کلاس های درس باید همانند طبیعت بسیار منظم باشد و با انضباط کامل اداره شود (2 و 13). روش های تدریس در این مکتب مانند ایده آلیست ها متنوع است. در این روش معلم از دنیای واقعیات بهره می برد و از ارزش های خود اعم از؛ مشاهده، مسافرت های علمی، وسایل سمعی - بصری و غیره استفاده می کند. بیشتر وقت معلم صرف انجام دادن کنفرانس، بحث و پروژه می شود (3)؛ از این رو، فراگیران دریافت کنندگان غیرفعالی در مطالعه و بررسی امور خواهند بود (2 و 13). یافته های پژوهش حاضر با مشاهدات لی وینگستون و همکاران (1995)، آذرفر (1380) و نورایی و همکاران (1387) در تضاد است (1 و 8 و 13).

با توجه به نتایج مشاهده شده در مقایسه فلسفه های آموزشی بین دانشجویان دختر و پسر هر دانشگاه، می توان اظهار داشت که تفاوت های جنسی نیز در انتخاب برخی از مکاتب فلسفی وجود دارد. اما هر کجا که تفاوت های جنسی مشاهده شده، پای مسائل فرهنگی، اجتماعی و دید متفاوت فرهنگ و اجتماع به این دو جنس نیز به میان آمده است. با این حال به علت موجود نبودن مطالعه ای در این زمینه، نیاز به پژوهش هایی مجدد و بررسی دقیق ضروری است. با عنایت به یافته های پژوهش حاضر در مقایسه فلسفه های آموزشی بین دانشگاه ها نیز در برخی از مکاتب فلسفی، تفاوت معنی داری میان دانشگاه ها وجود دارد. نورایی و همکاران (1387) اظهار داشتند که خرقانیان (1372) تفاوت ذهنیت فلسفی مدیران را معنادار گزارش کرد (8). خالدان و آبکار (1384) در نتیجه گیری بررسی میزان ذهنیت فلسفی مدیران به این اشاره دارند که مدرسانی که مهارت های فلسفی را آموزش می دهند و اینکه چه مسائلی را در آموزش مطرح می کنند، نیز دارای اهمیت هستند (4). شاید تفاوت مشاهده شده در بین دانشگاه های

مورد مطالعه پژوهش حاضر نیز به دلیل تفاوت نظر و دیدگاه ها و همچنین تجربه تدریس مدرسان این درس در بین دانشگاه های مذکور باشد. با این حال باز هم به پژوهش های بعدی نیاز داریم.

نتیجه گیری

بنابراین اگرچه در اولویت بندی مکاتب فلسفی بیشتر دختران و پسران، " ایده آلیسم " را به عنوان فلسفه آموزشی برتر خود انتخاب کردند، با این حال نتایج تحقیق حاضر نشان دهنده وجود یک تفاوت نسبی بین دختران و پسران دانشگاهی (اثرگذاری عامل جنسیت در قدرت انتخاب) است. همچنین تفاوت میان دانشگاه های مختلف شاید بیان کننده نبودن توافق و اجماع میان مدرسان این درس در مورد فلسفه آموزشی در تربیت بدنی است.

Archive of SID

منابع

- 1- آذرفر، فاطمه. (1380). تیپ‌شناسی فلسفی ذهن مدیران و تأثیر آن بر اثربخشی به تفکیک در ابعاد سیستم‌های حقوقی، حقیقی و باز دبیرستان‌های دخترانه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- 2- امیرتاش، علی‌محمد. (شهریور 1383). پنج فلسفه پایه آموزشی. جزوه درسی دانشگاه تربیت‌معلم، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- 3- حسینی، سید عماد؛ قربانعلی‌زاده قاضیانی، فاطمه و طیبی، سید مرتضی. (تابستان 1385). اصول و مبانی تربیت‌بدنی و مدیریت و برنامه‌ریزی. چاپ اول، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری شمال پایدار - دانشگاه غیرانتفاعی شمال، آمل.
- 4- خالدان، اصغر و آبکار، علیرضا. بررسی میزان ذهنیت فلسفی مربیان ورزش و رابطه آن با برخی از مشخصات فردی. (بهار و تابستان 1384). نشریه پژوهشنامه علوم ورزشی. سال اول، شماره اول، صص 1-15.
- 5- رضوی، سید محمد حسین. (1384). اصول و مبانی تربیت‌بدنی. چاپ اول، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری شمال پایدار - دانشگاه غیرانتفاعی شمال، آمل.
- 6- شریعتمداری، علی. (1364). فلسفه (مسائل فلسفی، مکتب‌های فلسفی، مبانی علوم). انتشارات فوق‌برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.
- 7- مظفری، سید امیر احمد و پورسلطانی زرنندی، حسین. (زمستان 1386). اصول و فلسفه تربیت‌بدنی. چاپ دوم، انتشارات بامداد کتاب، تهران.
- 8- نورایی، طهمورث؛ امیرتاش، علی‌محمد؛ تندنویس، فریدون و بهرنگی، محمدرضا. (تابستان 1387). ارتباط بین فلسفه آموزشی مدیران و جو سازمانی در دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت‌بدنی. پژوهش در علوم ورزشی، شماره 19، صص 55-69.
- 9- نقیب‌زاده، میرحسین. (1380). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. چاپ چهاردهم،

انتشارات طهوری، تهران.

10- وست، دبورا آ و بوچر، چارلز آ. (2004). مبانی تربیت‌بدنی و ورزش. ویرایش چهارم. ترجمه احمد آزاد (1383). چاپ یازدهم. انتشارات دانش‌افروز. تهران.

11- Laban, Radolf. (1966). The mastery of movement. Macdonald & Evance. 2nd edition.

12- Livingston, M.J; McClain, B.R and DeSpain, B.C. (1995). Assessing the Consistency Between Teachers' Philosophies and Educational Goals. Education-Indianapolis, VOL 116; Number 1, pages 124.

13- Wise, John and Bandy, Joseph. (2002). Curriculum Development, A Guide to Practice. 6th edition. New York, Merry land

Archive of SID